

## ارتباط بین حرمت خود و سبک دلبستگی

### Relationship between Self-Esteem and Attachment Style

Zohreh Sayadpour

Islamic Azad University  
South Tehran Branch

زهرا صیادپور

دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران جنوب

#### Abstract

In order to study the relationship between self esteem and attachment style, 100 female university students, completed Self Esteem Inventory (Coopersmith, 1967) and Attachment Style Questionnaire (Hazan & Shaiver, 1987). Self Esteem was positively related to the secure attachment style and negatively related to the avoidant attachment style. A non-significant negative correlation was seen between self-esteem and anxious-ambivalent attachment style. The implications for further studies that include male participants and larger samples are discussed.

**Key words:** self esteem, attachment style, university student.

#### چکیده

به منظور بررسی ارتباط بین سبک دلبستگی و حرمت خود ۱۰۰ دانشجوی مؤنث فهرست حرمت خود (کوپر اسمیت، ۱۹۶۷) و پرسشنامه سبک دلبستگی (هازان و شایور، ۱۹۸۷) را تکمیل کردند. حرمت خود به صورت مثبت با سبک دلبستگی ایمن و به صورت منفی با سبک دلبستگی اجتنابی ارتباط داشت. یک ضریب همبستگی غیرمعدار منفی بین دلبستگی اضطرابی - دو سوگرا و حرمت خود، یافت شد. لزوم مطالعه در مورد جنس مذکر و نمونه‌های بزرگتر مورد بحث قرار گرفت.

**واژه‌های کلیدی:** حرمت خود، سبک دلبستگی، دانشجوی.

Contact information: sayadpour@yahoo.com

## مقدمه

خود<sup>۱</sup> از معدود مفاهیم مورد علاقه تمامی انسانهاست. اما به راستی خود چیست؟ در واقع این حقیقت که ما به راحتی از این واژه استفاده می‌کنیم مبین جهان‌شمول بودن تجربه خود است؛ تجربه‌ای که نخستین مفهوم ذهنی آن، به بدن وابسته است. سپس این مفهوم معنایی فراتر از بدن می‌یابد. بزرگسالان متمدن برخلاف کودکان و یا جوامع نخستین در توجیه خود به یک ماهیت روان-شناختی - مشتمل بر افکار، احساسها و بازخوردها<sup>۲</sup> - که از زاویه اجتماعی ارزش‌گذاری می‌شود، توجه دارند. اما به هر حال خود اغلب عنصری پنهان است که درک و شناسایی آن برای فرد و دیگران به کار و کوشش فراوان نیاز دارد (هویت، ۲۰۰۱).

باومیستر (۱۹۹۸) تجربه خود را مشتمل بر سه زمینه اصلی جهانی، هشیاری غیرارادی (جستجوی خود)، ماهیت بین شخصی (برقراری ارتباط با دیگران) و کنش اجرایی (انتخاب، تقلید عمل و نظارت بر خود و دنیا) می‌داند که انسانها در سراسر جهان آن را به گونه‌ای یکسان تجربه می‌کنند.

با وجود اطلاعات نظری و پژوهشی موجود در مورد خود، تعریف این واژه چندان ساده نیست و تاکنون تعریف رضایت‌بخشی از خود ارائه نشده است؛ به همین دلیل بررسی خود تحت عناوین متفاوت مانند آگاهی نسبت به خود<sup>۳</sup>، هدایت خود<sup>۴</sup>، بیان خود<sup>۵</sup>، مفهوم خود<sup>۶</sup>، حرمت خود<sup>۷</sup>، واقعی‌سازی خود<sup>۸</sup>، تحقق خود<sup>۹</sup>، روان‌بند خود<sup>۱۰</sup>، بهبود خود<sup>۱۱</sup>، نظارت بر خود<sup>۱۲</sup> و ... انجام شده است.

در این بین مفهوم حرمت خود بنیادی‌ترین مفهومی است که زمینه اصلی پژوهشها را به خود اختصاص داده است. اما متأسفانه، کوششهای انجام شده به منظور بیان اهمیت و ماهیت حیاتی حرمت خود در هاله‌ای از ابهام و سوءتفاهم قرار گرفته‌اند. برخی حرمت خود را احساس خوب یا داشتن احساس مثبت نسبت به خود دانسته‌اند و

برخی دیگر فراتر رفته و حرمت خود را با خودپرستی، خودپسندی، غرور، خوددوستداری<sup>۱۳</sup>، حس تفوق، ویژگی رهبری همراه با خشونت معادل قرار داده‌اند (لیندنفیلد<sup>۱۴</sup>، ۱۳۸۵/۱۹۹۹).

به هر حال به‌رغم سوءتفاهم موجود، ارائه تعریفی از حرمت خود که مورد توافق روان‌شناسان باشد به سبب پیچیدگی و چند بُعدی بودن مفاهیم مرتبط با انسان - امری دشوار است. با این حال قابل ارجاع‌ترین تعریفی که از حرمت خود در روان‌شناسی به عمل آمده متعلق به روزنبرگ (۱۹۶۵) است که این واژه را به عنوان بازخورد مطلوب یا نامطلوب نسبت به خود توصیف کرده است.

تفاوت‌های فردی در حرمت خود رفتارهای متفاوتی مانند رقابت، جذابیت، پیشرفت و کمک‌کردن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بررسیها (مانند ولز و مارول، ۱۹۷۶) نشان داده‌اند که میزان حمایت خود افراد یکسان نیست و برحسب عوامل متفاوت تغییر می‌کند و افراد با سطوح بالای حرمت خود که می‌کوشند تا احساس ارزشمندی خود را به وسیله احراز کیفیتهای با ارزش اجتماعی حفظ کنند، خواستار موفقیت‌اند (براون، داتتون و کوک، ۲۰۰۱). در حالی که افراد با سطوح بالای حرمت خود در جستجوی راهی برای گذار موفقیت‌آمیز و ارتقا جایگاه خود در موقعیتها هستند و به خطر کردن برای تکمیل این موقعیتها علاقه نشان می‌دهند، سطح پائین حرمت خود اغلب رفتار فرد را در موقعیتهای مواجهه با خطر متزلزل می‌سازد. در چنین موقعیتهایی افراد با سطح پائین حرمت خود به مکانیزمهای اجتنابی متوسل می‌شوند (باومیستر، تاسیس و هاتن، ۱۹۸۹).

اهمیت حرمت خود در شکل‌گیری رفتارها و سطح موفقیت ارتباطی، با مطرح ساختن ضرورت دستیابی به عوامل مؤثر بر حرمت خود و دریافتی دقیق از ماهیت این مفهوم، گستره‌های نظری متنوعی را مطرح ساخته است که هر یک بر مبنای دیدگاه خود، ماهیت حرمت

1. self  
2. attitude  
3. self- awareness  
4. self-monitoring  
5. self-presentation

6. self- concept  
7. self- esteem  
8. self- actualization  
9. self- verification  
10. self- schema

11. self-enhancement  
12. self- regulation  
13. narissism  
14. Lindenfield, G.

شناختی - رفتاری نگر، روان‌شناسی اجتماعی و انسانی نگر نیز هر یک به گونه‌ای متفاوت به توجیه حرمت خود پرداخته‌اند. برای مثال در حالی که روان‌شناسان **شناختی** - رفتاری نگر، حرمت خود را راهبردهای مقابله‌ای متنوعی می‌دانند که فرد از آنان سود می‌جوید، **روان‌شناسان اجتماعی** شکل‌گیری حرمت خود را بر مبنای بازخوردها توجیه می‌کنند و این در حالی است که روان‌شناسان **انسانی‌نگر** هم خود را بر ابعاد تجربی حرمت خود متمرکز ساخته‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد حرمت خود هر دو بُعد روان‌شناختی و اجتماعی را در بر می‌گیرد، اما به ندرت دیده می‌شود که در پژوهشها هر دو بُعد این مفهوم واری شده باشند (باومیستر، ۱۹۹۸). برای مثال بررسی اثر نژاد یا قوم به عنوان یک عامل اجتماعی نشان داده است که حرمت خود تحت تأثیر نژاد یا قوم قرار نمی‌گیرد (کروکر، ۲۰۰۲) و یا بررسی تفاوت دو جنس به عنوان یک عامل ارثی (با اثرات متفاوت روان‌شناختی و اجتماعی) نشان داده است که حرمت خود زنان عمدتاً بر مبنای تصویر بدنی‌شان تحقق می‌پذیرد. برحسب تعریف تصویر بدنی بر مبنای مشاهده خود و عکس‌العمل دیگران شکل می‌گیرد و حاصل تعامل پیچیده بازخوردها، هیجانها، خاطرات، تخیلات و تجربه هشیار و ناهشیار فرد است (لاوری، کوریوس، بیفورت، بلنکس و دیگران، ۲۰۰۵). از سوی دیگر بررسیها مبین این امرند که معمولاً زنان نسبت به مردان تصویر بدنی منفی‌تری از خود دارند و این امر حتی در مورد زنان و مردانی که هر دو به طور مداوم ورزش می‌کنند نیز صدق می‌کند (پیفر، ۱۹۹۴). ارتباط حرمت خود با زمینه‌های وسیعی از انطباق و بهزیستی، مانند روابط اجتماعی (دکوویچ و میئوس، ۱۹۹۷)، انعطاف‌پذیری نسبت به وقایع زندگی (دومونت و پرووست، ۱۹۹۹)، افسردگی (هاموند و رومنی، ۱۹۹۵)، خودکشی (ویچستروم، ۲۰۰۰)، سوء مصرف مواد (شییر، بوتوین، گریفین و دیا، ۲۰۰۰)، اختلالات شخصیتی (واتسن، ۱۹۹۸) و اختلالات خوردن (ویلکوکس و ساتلر، ۱۹۹۶) و رفتارهای بزهکارانه (ریزونر، ۱۹۹۲؛ کاستلو،

خود را توجیه می‌کنند. بررسی تاریخچه‌ای این نظریه‌ها، ما را با نظریه ویلیام جیمز<sup>۱</sup> (۱۸۹۰، نقل از باومیستر، ۱۹۹۹) پیشرو روان‌شناسی خود مواجه می‌سازد که با مطرح ساختن اهمیت رقابت، تحول حرمت خود را از خلال احساس فرد نسبت به رقابت توجیه می‌کند (هیگینز، ۱۹۸۷). در خلال چنین تبیینی سطح **حرمت خود** فرد بر مبنای ارتباط بین ادراک رقابت و اهمیت موفقیت تعیین و مفهوم رقابت بر مبنای تضاد بین هدف و عقیده با عملکرد فرد، توجیه می‌شود. به عبارتی دیگر، خود آرمانی (تمایل فرد به آنچه می‌خواهد باشد یا احساس می‌کند باید باشد) که در خلال کودکی، بر مبنای امیدها و آرزوهای والدین شکل می‌گیرد، اگر با تواناییهای فرد انطباق نیابد با تأثیر بر سطح حرمت خود، فرد را به سوی رقابت سوق می‌دهد (هارتر، ۱۹۹۰).

ارتباط بین درک از موفقیت اجتماعی و حرمت خود تأییدی بر این امرست. در واقع حرمت خود در روابط اجتماعی، مانند فشارسنج میزان فشار بازخورد دیگران را نسبت به رفتارهای اجتماعی فرد می‌سنجد. بنابراین لازمه ارتباط مؤثر تهدیدنشدن از سوی دیگران است و در شرایط تهدیدشدگی، انسان به مداخله کسانی که دیدگاه فرهنگی متفاوتی با وی دارند و حرمت خود وی را تهدید می‌کنند، با خشونت پاسخ می‌دهد (ریزونر، ۱۹۹۲). بنابراین ریشه بسیاری از اعمال بزهکارانه را می‌توان در حرمت خود پایین و احساس عدم امنیت جستجو کرد (دیویس، ۱۹۹۱). به عبارتی دیگر، اعمال بزهکارانه به منزله مکانیزمهای دفاعی جبرانی بر علیه تصویر منفی خود هستند و نوجوانان بزهکار می‌کوشند تا با توسل به اعمال پرخاشگرانه بار منفی تصویری را که از خود دارند کاهش دهند (تاچ<sup>۲</sup>، ۱۹۶۹ نقل از دیویس، ۱۹۹۱). بنابراین، برای افرادی که حرمت خود پایین دارند و شکست مداوم را تجربه می‌کنند، رفتار بزهکارانه راهی برای افزایش حرمت خود است (کاپلان، ۱۹۷۵). افزون بر دیدگاه جیمز، روان‌شناسان معتقد به نظریه‌های

1. James. W.

2. Touch, A.

اخیر نشان داده‌اند که والدین حمایتگر حرمت خود جوانان را افزایش می‌دهند (دکوویچ و میووس، ۱۹۹۷)، برعکس فقدان حمایت والدین جوانان را به سوی مشکلاتی مانند سوء مصرف مواد و رفتار بزهکارانه سوق می‌دهد (سیمونز، لین و گوردن، ۱۹۹۸).

حمایت والدین با رفتارهای مخاطره‌آمیز نوجوانان نیز همبستگی دارد. بررسی ۱۶۷۴۹ نوجوان که در مطالعه طولی تربیت ملی شرکت کرده بودند، ارتباط بین حمایت والدین و سطوح بالای حرمت خود را در نوجوانان تأیید کرد. بر مبنای این پژوهش نوجوانان دارای والدین حمایتگر، رفتارهای مخاطره‌آمیز کمتری داشتند (بنسون، ۲۰۰۴). بنابراین به نظر می‌رسد والدین حمایتگر با شکل دادن دلبستگی ایمن<sup>۳</sup> در فرزندان و پرورش سطح بالای حرمت خود، نوجوانان را از گرایش به رفتارهای بزهکارانه یا مخاطره‌آمیز مصون می‌دارند.

هانتسینگر و لوکن (۲۰۰۴). با بررسی ۷۹۳ دانشجویان نشان دادند، افراد واجد سبک دلبستگی ایمن در مقایسه با افراد نایمن<sup>۴</sup> رفتارهای سالمتر و حرمت خود بالاتری دارند و حرمت خود نقش واسطه‌ای در ارتباط بین سبک دلبستگی و رفتار سالم ایفا می‌کند. بنابراین، حرمت خود - که از آغاز زندگی با سبک دلبستگی به صورت معنادار تعامل دارد، می‌تواند کلید رفتارهای سالم پیشگیرانه باشد.

در ارتباط بین همسران نیز سبک دلبستگی، حرمتی را که زوجها برای یکدیگر قائل‌اند تحت تأثیر قرار می‌دهد. پیتروموناکو و فلدمن (۲۰۰۵) با بررسی زوجها دریافتند که افراد دلمشغول<sup>۵</sup> بیش از افراد ایمن و اجتنابی<sup>۶</sup> به همسران خود، هنگامی که به آنها کمک می‌کردند، توجه داشتند و افراد دلمشغول و ترسان - اجتنابی<sup>۷</sup> خواهان دریافت تشویق از سوی همسران خود بودند. همچنین افراد دلمشغول هنگامی که از سوی همسران خود تشویق می‌شدند ارزش بیشتری برای آنان قائل بودند و این ارزشگذاری از میزان ارزشی که افراد ایمن برای همسران

نیز نشان داده است که هر چند یک ارتباط نزدیک بین سطح حرمت خود و مشکلاتی مانند خشونت، مصرف الکل و مواد، اختلالهای خوردن و خودکشی اثبات شده است اما به سختی می‌توان این عوامل را به منزله عوامل اصلی کاهش حرمت خود، در نظر گرفت، زیرا این عوامل معمولاً تنها به منزله یکی از عوامل مشارکت‌کننده در این مسئله محسوب می‌شوند (ریزونر، ۲۰۰۶).

ارتباط مثبت بین حرمت خود و پیشرفت تحصیلی نیز در بررسیهای متعددی اثبات شده است (برای مثال بری، ۲۰۰۵). با این وجود، به‌رغم آن که کلید اصلی حرمت خود اغلب دانشجویان را می‌توان در پیشرفت تحصیلی - که انتظارات و تمایلات تحصیلی آنان را متفاوت می‌کند - جستجو کرد (ادلر و فیگویرا - مک دانف، ۲۰۰۲)، اما برخی از بررسیها مبین این امرند که حرمت خود بیشتر حاصل پیشرفت تحصیلی است تا علت آن (هولی، ۱۹۸۷). افزون بر عوامل اجتماعی، مانند تحصیل و یا عوامل روان‌شناختی مانند جنس عوامل بنیادی‌تری نیز بر شکل‌گیری حرمت خود تأثیر می‌گذارند. بررسی این عوامل در نظریه‌هایی با تأکید بر روابط اجتماعی صورت گرفته است (مانند کولی<sup>۱</sup>، ۱۹۰۲، مید<sup>۲</sup>، ۱۹۳۴، نقل از تاپس، ۱۹۹۹). در این نظریه‌ها، حرمت خود بر مبنای تعاملهای نخستین و عقاید افراد مهم درباره فرد شکل می‌گیرد. این نظریه‌ها مشابه دیدگاه روان‌پویشی و نظریه‌های دلبستگی، بر تعامل مادر - کودک تأکید دارند و فرایند تحول را مورد توجه قرار می‌دهند. از این دیدگاه کودکی که نیازهایش برآورده می‌شود و والدین خود را به عنوان اشخاصی که از لحاظ هیجانی مورد قبول، در دسترس و دوست‌داشتنی هستند، تجربه می‌کند، خود را نیز به عنوان شخصی خوب و دوست‌داشتنی می‌پذیرد (بالبی، ۱۹۸۲).

تعداد بیشماری از پژوهشها اهمیت نقش والدین را در شکل‌گیری حرمت خود کودکان و نوجوانان برجسته ساخته‌اند (مانند هنریکسن و روکر، ۲۰۰۰). پژوهشهای

1. Cooley, C. H.  
2. Mead, G. H.  
3. secure attachment

4. unsecured  
5. preoccupied  
6. avoidant

7. fearful- avoidant

## روش

طرح این پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل دانشجویان مؤنث دانشکده تربیت معلم و علوم انسانی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب، در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ بود. با استفاده از نمونه‌برداری تصادفی دو رشته تحصیلی تکنولوژی آموزشی و مطالعات خانواده انتخاب شدند. با توجه به نوع طرح تحقیق (همبستگی) تعداد نمونه مورد نظر ۱۰۰ نفر تعیین شد و از بین این دانشجویان با استفاده از روش تصادفی ساده از هر دانشکده ۵۰ دانشجوی مؤنث انتخاب شدند و به پرسشنامه سبک دلبستگی<sup>۲</sup> هازان و شیور (۱۹۸۷) و فهرست حرمت خود<sup>۳</sup> کوپر اسمیت (۱۹۶۷) پاسخ دادند.

پرسشنامه هازان و شیور شامل دو بخش است. در بخش اول آزمودنیها به سه بند اصلی پرسشنامه بر مبنای مقیاس ۷ درجه‌ای (کاملاً مخالفم صفر، تا حدی مخالفم ۱، کمی مخالفم ۲، مطمئن نیستم ۳، کمی موافقم ۴، موافقم ۵، کاملاً موافقم ۶) نمره‌گذاری می‌شود. پاسخگویی به سه بند مورد نظر در پرسشنامه، موجب احراز ۳ نمره می‌شود. اولین توصیف و نمره به دست آمده میزان دلبستگی اجتنابی، دومین توصیف میزان دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا و سومین توصیف میزان دلبستگی ایمن را نشان می‌دهد. در بخش دوم یک بار دیگر، آزمودنیها یکی از سه توصیف پیشین را مطالعه و یکی از آنها که بیشترین تشابه را با ویژگیهای آنان دارد انتخاب می‌کنند. بدین ترتیب نمره‌های ۱، ۲ و ۳ در این بخش مقیاسهای اسمی دلبستگی اجتنابی، اضطرابی - دوسوگرا و ایمن هستند.

انتخاب مجدد ۳ توصیف مورد نظر در بخش دوم، به منظور تأیید نتایج بخش نخست صورت می‌پذیرد. در صورتی که بین نتایج این بخش با قسمت نخست هماهنگی وجود نداشته باشد، می‌توان از نوعی سازمان نیافتگی در شکل‌گیری سبک دلبستگی صحبت کرد.

خود در شرایط مشابه قائل بودند، بیشتر بود. الگوی رفتاری افراد اضطرابی - دوسوگرا<sup>۱</sup> نیز به طور کلی مشابه افراد دلمشغول بود. بنابراین زوجها برای همسران خود، بر مبنای سبک دلبستگی‌شان ارزش و حرمت قائل‌اند.

سریواستاوا و بیر (۲۰۰۵) ارتباط بین ارزشیابی از خود و مورد علاقه دیگران بودن را که تحت تأثیر سبک دلبستگی است، بررسی کردند. نتایج نشان دادند که مورد علاقه دیگران بودن، فرد را به سوی ارزشیابی مثبت از خود سوق می‌دهد و افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی ارزش کمی برای خود قائل‌اند و افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی نسبت به علاقه دیگران شدیدتر واکنش نشان می‌دهند. بنابراین سبکهای دلبستگی می‌توانند فرایندهای روابط بین شخصی تعاملی و تفاوت‌های فردی را پیش‌بینی کنند.

از سوی دیگر بررسیها نشان داده‌اند که بین نشانه‌های افسردگی و دلبستگی اضطرابی (ناایمن) ارتباط وجود دارد و توانایی تقویت خود و نیاز به تأیید دیگران، واسطه این ارتباط‌اند و توانایی تقویت خود، بین نشانه‌های افسردگی و دلبستگی اجتنابی پیوند برقرار می‌کند. تحلیل داده‌ها نشان دادند که ۵۴٪ واریانس نشانه‌های افسردگی توسط دلبستگی اضطرابی، تقویت خود و نیاز به تأیید دیگران تفسیر می‌شود (وی و مالینکورد، ۲۰۰۵).

بنابراین تأیید دیگران با افزایش حرمت خود از بروز نشانه‌های مرضی پیشگیری می‌کند و افراد اجتنابی یا دوسوگرا به دلیل روابط مبتنی بر ناایمنی عاطفی با محروم ماندن از تأیید و تقویت دیگران، در مقایسه با افراد ایمن آمادگی بیشتری برای ابتلا به بیماریهای روانی دارند.

در این پژوهش با توجه به اهمیت تأثیر حرمت خود بر زمینه‌های متفاوت زندگی مانند تحصیلی، رفتارهای بزهکارانه و ... و نیز تأثیرپذیری آن از سبک دلبستگی، کوشش شده است تا ارتباط بین حرمت خود و سبک دلبستگی واریسی شود.

جدول ۱: ضرایب اعتبار پرسشنامه هازان و شیور

سبک دلبستگی	نوبت اجرا	همبستگی	میانگین	انحراف استاندارد
اجتنابی	۱	۰/۵۶*	۲/۲۶	۱/۹۵۷
	۲		۲/۶۱	۲/۰۹۸
اضطرابی دو سوگرا	۱	۰/۷۳*	۲/۰۱	۲/۱۴۴
	۲		۲/۹۷	۱/۸۸۸
ایمن	۱	۰/۲۶*	۲/۴۷	۱/۹۸۲

\* P &lt; ۰/۰۰۱

آموزشگاهی و دروغ، هر یک با ۸ گزاره و دامنه نمره ۸-۰، مشخص می‌شوند. سطح حرمت خود آزمودنیها براساس جمع نمره‌های زیر مقیاسها به استثنای نمره دروغ محاسبه می‌شود. بنابراین دامنه نمره آزمودنیها از صفر تا ۵۰ است.

فهرست حرمت خود کوپر اسمیت به دو شکل برای کودکان سنین مدرسه (۸-۱۵ سال) و بزرگسال (از ۱۶ سال به بالا) طراحی شده است (بلوسکوویچ و توماکا، ۱۹۹۱). اعتبار این فهرست به شیوه سنجش همسانی درونی<sup>۴</sup> و بازآزمایی و روایی آن به صورت همگرا<sup>۵</sup> و واگرا<sup>۶</sup> بارها مورد تأیید قرار گرفته است (بالسکوویچ و توماکا، ۱۹۹۱). ضرایب آلفای کرونباخ برای فرمهای کوتاه و بلند بیش از ۰/۸۰، و اعتبارهای بازآزمایی نیز بالا گزارش شده‌اند. کوپر اسمیت (۱۹۸۱) در آخرین راهنما، اعتبارهای بیش از سه سال را ۰/۶۴ گزارش کرده است که با ضرایب قبلی تفاوت معنادار نداشتند. به‌رغم وجود همبستگیهای قابل ملاحظه این فهرست با مقیاسهای دیگر حرمت خود، بررسیهای تحلیل عاملی نشان می‌دهند که این فهرست، یک فهرست تک بُعدی نیست و پژوهشگران مختلف به عوامل گوناگونی دست یافته‌اند. برای مثال گیبز<sup>۷</sup> و نورویچ<sup>۸</sup> (۱۹۸۵) نقل از کلاین، (۲۰۰۰) در نسخه ۲۵ ماده‌ای خود به ۱۰ عامل و احمد<sup>۹</sup>، والینت<sup>۱۰</sup> و سویندل<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۵) نقل از کلاین، (۲۰۰۰) به ۴ عامل دست یافتند. کوکنز<sup>۱۲</sup> (۱۹۷۸) نقل از کلاین، (۲۰۰۰)

در پژوهشهای متعدد، اعتبار<sup>۱</sup> پرسشنامه هازان و شیور، با استفاده از روش باز آزمایی<sup>۲</sup>، ارزیابی و تأیید شده است. برای مثال در مورد اعتبار بخش نخست که شامل درجه‌بندی توصیفی است، ضریب بازآزمایی در فاصله زمانی ۱ تا ۸ هفته ۰/۶۰ و اعتبار بخش دوم ۰/۴۰ گزارش شده است (فینی و نولر، ۱۹۹۰).

در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) نیز بازآزمایی با فاصله ۱ ماه صورت گرفت و برآورد ضریب همبستگی در حد مطلوب بود (جدول ۱). میزان آلفای کرونباخ نیز بر مبنای بررسی ۱۰۰ آزمودنی ۰/۷۸ محاسبه شد که مبین اعتبار نسبتاً بالای آزمون مورد نظر است. بررسی میزان همبستگی سه توصیف اصلی بخش نخست در نمونه ۱۰۰ نفری، به استناد روایی درونی<sup>۳</sup> نیز نشان داد که همبستگی بین سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی ۰/۰۱، اجتنابی و اضطرابی - دو سوگرا ۰/۱۴ و ایمن و اضطرابی - دو سوگرا ۰/۰۴ است. بنابراین سه توصیف پرسشنامه سه محتوای متفاوت را می‌سنجیدند.

فهرست حرمت خود کوپر اسمیت ۵۸ گزاره را در بر می‌گیرد. در هر گزاره پاسخ‌دهندگان اصلی باید یکی از دو گزینه (به من شبیه است، به من شبیه نیست) را انتخاب کنند. این فهرست مشتمل بر پنج زیر مقیاس است. زیر مقیاس عمومی شامل ۲۶ گزاره است، بنابراین دامنه نمره آزمودنیها در این زیر مقیاس ۲۶-۰ خواهد بود. در چهار زیر مقیاس دیگر، خانوادگی، اجتماعی، حرفه‌ای -

1. reliability  
2. test - retest  
3. internal validity

4. internal consistency  
5. convergent  
6. divergent

7. Gibbs, J.  
8. Norwich, B.  
9. Ahmed, S. M. S.

10. Valliant, P. M.  
11. Swindle, D.  
12. Kokenes, B.

با توجه به شیوه نمونه‌برداری (انتخاب یک گروه به تصادف) و اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش بر مبنای مقیاس فاصله‌ای، بررسی ارتباط بین حرمت خود و سبک‌های دل‌بستگی با استفاده از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیری صورت گرفت.

### یافته‌ها

به منظور توصیف ارتباط بین سبک‌های دل‌بستگی و حرمت خود، نخست میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنیها ارائه می‌شوند (جدول ۲) و سپس ارتباط بین دو متغیر با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیری بررسی می‌شوند.

نیز با تحلیل فرم بلند آزمون، ۹ عامل را گزارش کرده است. بررسی‌هایی که در ایران به منظور تعیین ویژگیهای روان‌سنجی فهرست حرمت خود کوپر اسمیت انجام شده‌اند، روایی و اعتبار آن را تأیید کرده‌اند. برای مثال در پژوهشی، روایی این فهرست در دانش آموزان ایرانی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲ و اعتبار آن براساس محاسبه ضریب همسانی درونی معادل با ۰/۷۸ گزارش شده است (کاتبی، ۱۳۸۰). در پژوهش دیگری روایی این فهرست برای دختران و پسران به ترتیب ۰/۹۶ و ۰/۷۰ و اعتبار آن بر اساس روش باز آزمایی برای دختران و پسران به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۹۰ گزارش شده‌اند (حجت‌خواه، ۱۳۷۵ نقل از کاتبی، ۱۳۸۰).

جدول ۲: دامنه نمره‌ها، میانگین و انحراف استاندارد فهرست حرمت خود و پرسشنامه سبک دل‌بستگی (n = ۱۰۰)

انحراف استاندارد	میانگین	دامنه نمره‌ها		
۱۰/۴۵	۳۳/۹۶	۱۴-۴۸	حرمت خود کلی	
۵/۹۳	۱۸/۱۲	۵-۲۵	زیر مقیاس عمومی	
۲/۲۴	۵/۱۲	۱-۸	زیر مقیاس خانوادگی	حرمت خود
۱/۷۸	۵/۶۴	۲-۸	زیر مقیاس اجتماعی	
۲/۰۱	۵/۱۶	۱-۸	زیر مقیاس حرفه‌ای - آموزشی	
۱/۸۷	۲/۹۴	۱-۷	اجتنابی	
۱/۶۱	۳/۲۰	۱-۷	اضطرابی - دوسوگرا	سبک دل‌بستگی
۲/۳۲	۴/۱۸	۱-۷	ایمن	

جدول ۳ آمده است.

نتایج بررسی همبستگی بین نمره‌های حرمت خود کلی و زیر مقیاسهای آن و سبک دل‌بستگی آزمودنیها در

جدول ۳: همبستگی حرمت خود با سبک‌های دل‌بستگی (n = ۱۰۰)

۶	۵	۴	۳	۲	۱	حرمت خود کلی		
						۰/۹۴۶**	(۱) مقیاس عمومی	حرمت خود
					۰/۶۱۰**	۰/۷۷۶**	(۲) مقیاس خانوادگی	
				۰/۶۰۶**	۰/۶۰۳**	۰/۷۶۴**	(۳) مقیاس اجتماعی	
			۰/۶۳۵**	۰/۵۹۰**	۰/۷۳۹**	۰/۱۸۵**	(۴) مقیاس حرفه‌ای آموزشی	
		-۰/۵۷۳**	-۰/۵۷۰**	-۰/۵۳۳**	-۰/۷۳۴**	-۰/۷۳۸**	(۵) اجتنابی	سبک دل‌بستگی
	-۰/۰۷۷	-۰/۱۷۲	۰/۰۴۶	-۰/۰۴۰	-۰/۰۶۰	-۰/۰۷۰	(۶) اضطرابی - دوسوگرا	
-۰/۲۴۹*	-۰/۶۴۷**	۰/۵۹۲**	۰/۴۶۱**	۰/۴۴۷**	۰/۶۲۳**	۰/۶۴۵**	(۷) ایمن	

P < ۰/۰۱ \*\*

P < ۰/۰۵ \*

سبکهای دلبستگی هازان و شیور است. اما بین سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی - دوسوگرا، ارتباط معنادار به دست نیامد.

نتایج تحلیل رگرسیون ارائه شده در جدول ۴ نیز نشان می‌دهند که میزان حرمت خود کلی در سه سبک دلبستگی (ایمن، اجتنابی و اضطرابی - دو سوگرا) با یکدیگر تفاوت معنادار دارند ( $F = 46/917$ ،  $P < 0/001$ ). بنابراین سبکهای دلبستگی می‌توانند ۵۹٪ حرمت خود افراد را پیش‌بینی کنند ( $R^2 = 0/595$ ).

به منظور واریانس میزان و جهت اثر سبکهای دلبستگی بر حرمت خود ضرایب رگرسیون نیز واریانس شدند.

بررسی همبستگی متغیر حرمت خود و سبک دلبستگی نشان داد که حرمت خود کلی و زیر مقیاسهای آن (عمومی، خانوادگی، اجتماعی و حرفه‌ای - آموزشگاهی) با سبک دلبستگی اجتنابی همبستگی منفی معنادار و با سبک دلبستگی ایمن همبستگی مثبت معنادار دارد اما همبستگی این متغیر با سبک دلبستگی اضطرابی دوسو-گرا معنادار نیست.

بررسی همبستگی بین سبکهای دلبستگی نیز نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و اضطرابی - دو سوگرا و بین سبک دلبستگی اجتنابی با ایمن ارتباط منفی معنادار وجود داشت که مبین اعتبار درونی پرسشنامه

جدول ۴: تحلیل رگرسیون چند متغیری برای پیش‌بینی حرمت خود براساس سبکهای دلبستگی (ایمن، اجتنابی، اضطرابی - دوسوگرا)

منبع واریانس	مجموع مجذورها	درجه آزادی	میانگین مجذورها	F	سطح معناداری	R	$R^2$
رگرسیون	۶۴۳۰/۱۲۵	۳	۲۱۴۳/۳۷۵	۴۶/۹۱۷	۰/۰۰۱	۰/۷۷۱	۰/۵۹۵
باقیمانده	۴۳۸۵/۷۱۵	۹۶	۴۵/۶۸۵				
جمع کل	۱۰۸۱۵/۸۴۰	۹۹					

متغیرهای پیش‌بین: سه سبک دلبستگی (ایمن، اجتنابی و اضطرابی دو سوگرا)

متغیر مستقل: حرمت خود

استاندارد متغیر سبک ایمن، انحراف استاندارد حرمت خود ۰/۲۶۳ واحد تغییر می‌کند. هر چند بین سبک دلبستگی اضطرابی - دو سوگرا و حرمت خود ارتباط معنادار آماری یافت نشد، اما جهت ارتباط این دو متغیر منفی بود. به عبارت دیگر، حرمت خود با سبک دلبستگی اضطرابی - دو سوگرا نیز مانند سبک دلبستگی اجتنابی ارتباط منفی داشت (جدول ۵).

نتایج، ارتباط منفی معنادار بین سبک دلبستگی اجتنابی و حرمت خود ( $\beta = -0/571$ ،  $P < 0/001$ ) و ارتباط مثبت معنادار بین سبک دلبستگی ایمن و حرمت خود ( $\beta = 0/263$ ،  $P < 0/005$ ) را تأیید کردند. بنابراین به ازای یک واحد تغییر در انحراف استاندارد متغیر پیش‌بین (سبک دلبستگی اجتنابی) انحراف استاندارد متغیر ملاک (حرمت خود) ۰/۵۷۱ و به ازای یک واحد تغییر در انحراف

جدول ۵: ضرایب رگرسیون حرمت خود و سبکهای دلبستگی

متغیر پیش‌بین	B	خطای استاندارد	$\beta$	t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۳۹/۳۹۸	۳/۸۵۴	—	۱۰/۲۲۳	۰/۰۰۱
اجتنابی	-۳/۱۹۵	۰/۵۰۳	-۰/۵۷۱	-۶/۳۴۹	۰/۰۰۱
اضطرابی - دوسوگرا	-۰/۳۱۷	۰/۴۶۱	-۰/۰۴۹	-۰/۶۸۸	۰/۴۹۳
ایمن	۱/۱۸۹	۰/۴۱۸	۰/۲۶۳	۲/۸۴۴	۰/۰۰۵



## بحث

بود. بنابراین یافته‌های پژوهش با نوع ارتباط مورد انتظار مغایرت نداشت. اما عدم دستیابی به ارتباط معنادار را می‌توان به نوع آزمون که به طور مشخص سبک‌های دل‌بستگی را از یکدیگر متمایز نمی‌سازد، نسبت داد. لازم به ذکر است که مبنای این پژوهش تعیین سبک دل‌بستگی افراد نبوده است، زیرا در این صورت به منظور تعیین سبک دل‌بستگی افراد، باید پرسشنامه‌ها در نمونه‌های بزرگتر اجرا می‌شدند. سپس بین نوع رفتارهای مبتنی بر سبک دل‌بستگی - که از طریق پرسشنامه به دست آمده بود - با رفتارهای واقعی فرد - که از طریق مصاحبه با فرد و نزدیکان وی به عمل آمده بود - مطابقت داده می‌شد، تا سبک دل‌بستگی پاسخ‌دهندگان به طور دقیق تعیین شود. در چنین شرایطی این امکان وجود داشت که از هر سبک دل‌بستگی تعداد مناسبی به عنوان افراد نمونه انتخاب شوند تا اعتبار نتایج به واسطه عدم توانایی تفکیک سبک‌های دل‌بستگی افراد بر مبنای پرسشنامه استفاده شده مخدوش نشود. با توجه به عدم تناسب تعداد افراد نمونه واجد سبک‌های دل‌بستگی ایمن و اضطرابی - دوسوگرا و اجتنابی لزوم بررسی‌های مجدد با نمونه‌های بزرگتر و ابزارهای سنجش دقیقتر مطرح می‌شود. افزون بر آن نمونه مورد نظر از جامعه آماری محدود - دانشجویان مؤنث - انتخاب شده بودند که نیازمند واریسی موضوع با نمونه ای از دو جنس است.

## منابع

- پاکدامن، ش. (۱۳۸۰). *بررسی ارتباط بین دل‌بستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی*. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی. دانشگاه تهران.
- لیندنفلد، گ. (۱۳۸۵). *حرمت خود*. ترجمه ز. صیادپور. تهران: نشر طراوت. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۹۹).
- کاتبی، م. و. (۱۳۸۰). *بررسی و مقایسه عزت نفس، منبع کنترل، افسردگی و اضطراب بین دانش‌آموزان ناتوان در یادگیری و عادی ۸ تا ۱۱ ساله*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- Adler, S., & Figueira-Mcdonough, J. (2002). Gender and poverty: Self-esteem among elementary school children. *Journal of Children and Poverty*, 8 (1), 5-22.

تا به حال ارتباط حرمت خود یا به عبارتی دیگر احترامی که فرد برای خود قائل است، با متغیرهای متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. در این بین سبک دل‌بستگی با تعیین نوع ارتباط فرد با دیگران و دریافت توجه و تأیید میزان حرمت خود را تنظیم می‌کند.

یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان دادند که حرمت خود با سبک‌های دل‌بستگی ارتباط دارد. ارتباط سبک دل‌بستگی ایمن با حرمت خود تأیید شد ( $P < 0/001$ ). نتایج تحلیل رگرسیون نیز مبین وجود ارتباط مثبت بین دو متغیر بود. این یافته با نظریه روابط اجتماعی که با نظریه دل‌بستگی بالبی (۱۹۸۲) مطابقت دارد همسو است. طبق این نظریه کودکی که در سالهای نخستین زندگی، والدین خود را به عنوان افرادی خوب، دوست داشتنی، در دسترس و قابل احترام می‌یابد، متقابلاً برای خود نیز احترام قائل است. بنابراین افرادی که دارای سبک دل‌بستگی ایمن هستند باید از حرمت خود بالایی برخوردار باشند. افزون بر آن پژوهشها نشان داده‌اند که حرمت خود افراد ایمن در مقایسه با نایمنها (افراد واجد سبک دل‌بستگی اجتنابی و دو سوگرا) بیشتر است (از جمله پژوهشهای هانتسینگر و لوکن، ۲۰۰۴؛ پیتروموناکو و فلدمن، ۲۰۰۵ و سربواستاوا و بیر، ۲۰۰۵).

در مقابل افراد نایمن به دلیل روابط نامناسب اجتماعی و آسیب‌پذیری هیجانی بیشتر در مقابل تنیدگی که با دل‌بستگی فاقد احساس ایمنی‌شان ارتباط دارد، از حرمت خود پایین‌تری برخوردارند (کاپلان و سادوک، ۱۹۹۸). یافته‌های این پژوهش نیز نشان دادند که حرمت خود افراد اجتنابی، با سبک دل‌بستگی‌شان ارتباط منفی معنادار دارد ( $P < 0/001$ ).

گروه دیگر نایمنها که افراد دارای سبک دل‌بستگی اضطرابی - دوسوگرا در آن قرار می‌گیرند، نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بنابراین سبک دل‌بستگی آنان باید با سطح حرمت خودشان ارتباط منفی داشته باشد. در یافته‌های این پژوهش نیز هر چند بین متغیر دل‌بستگی اضطرابی - دوسوگرا و حرمت خود ارتباط معنادار یافت نشد، اما نوع ارتباط همانطور که پیش‌بینی می‌شد منفی

- Crocker, J. (2002).** The costs of seeking self-esteem. *Journal of Social Issues*, 58 (3), 597-615.
- Davis, E. (1991).** "Youth violence : An action research project". *Journal of Multicultural Social Work*, 1 (3), 33-44.
- Dekovic, M., & Meeus, W. (1997).** Peer relations in adolescence: Effects of parenting and adolescents' self-concept. *Journal of Adolescence*, 20 (2), 163-172.
- Dumont, M., & Provost, M. A. (1999).** Resilience in adolescents: Protective role of social support, coping strategies, self-esteem, and social activities on experience of stress and depression. *Journal of Youth and Adolescence*, 28, 343-363.
- Feeney, J. A. & Noller, P. (1990).** Attachment style as a predictor of adult romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58 (2), 281-29.
- Hammond, W. A., & Romney, D. M. (1995).** Cognitive factors contributing to adolescent depression. *Journal of Youth and Adolescence*, 24, 667-883.
- Harter, S. (1990).** Causes, correlates and the functional role of global self-worth: A life span perspective. In R. J. Sternberg & J. Lolligian, Jr. (eds.), *Competence considered*, (pp. 67-97). New York, CT: Yale University Press.
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1987).** Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Henricson, C., & Roker, D. (2000).** Support for the parents of adolescents: A review. *Journal of Adolescence*, 23, 763-783.
- Hewitt, J. P. (2001).** The reality of self esteem. In A. Brnaman (ed.), *Self and society*, (pp. 42-67). Massachusetts : Blackwell.
- Baumeister, R. F. (1999).** The nature and structure of the self : An overview. In R. F. Baumeister (ed.), *The self in social psychology* (pp. 1-2). Philadelphia : Psychology Press.
- Baumeister, R., F. (1998).** The self. In D. T. Gilberts, S. T. Fiske & G. Lindzeu (eds.) *Handbook of social psychology* (4th ed., pp. 680-740). New York: McGraw-Hill.
- Baumeister, R. F., Tice, D. M., & Hutbn, D. G. (1989).** Self-presentational motivations and personality differences in self-esteem. *Journal of Personality*, 57,547-579.
- Benson, M. J. (2004).** Parent-adolescent relations and adolescent functioning: Self-esteem, substance abuse, and delinquency. *Adolescence*, 22, 20-30.
- Blascovich, J., & Tomaka, J. (1991).** Measures of self-esteem. In J. P. Robinson, P. R. Shaver & L. S. Wrightsman (Eds.), *Measures of personality and social psychological attitudes*, Volume I. San Diego, CA: Academic Press.
- Bray, B. M. (2005).** *The influence of academic achievement on a college student's self esteem*. Retrieved at January 9, 2007 from <http://www.findarticles.com>.
- Bowlby, J. (1982).** *Attachment and Loss*: Vol. 1. Attachment. New York: Basic Books.
- Brown, J. D., Dutton, K. A., & Cook, K. E.( 2001).** From the top down: Self-esteem and self-evaluation. *Cognition & Emotion*, 15 (5), 615-631.
- Coopersmith, S. (1981).** *The antecedents of self-esteem*. Palo Alto, CA: Consulting Psychologists Press. (Original work published 1967).
- Costello, B. J. (2000).** Techniques of neutralization and self-esteem: A critical test of social control and neutralization theory. *Deviant Behavior*, 21 (4), 307-329.

tive, 4, 420-435.

**Rosenberg, M. (1965).** *Society and the adolescent self-image*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

**Scheier, L. M., Botvin, G. J., Griffin, K. W., & Diaz, T. (2000).** Dynamic growth models of self-esteem and adolescent alcohol use. *Journal of Early Adolescence, 20*, 178-210.

**Simons, R. L., Lin, K. H., & Gordon, L. C. (1998).** Socialization in the family of origin and male dating violence: A prospective study. *Journal of Marriage and the Family, 60*, 467-478.

**Srivastava, S., & Beer, J. S. (2005).** How self-evaluations relate to being by others: Integrating sociometer and attachment perspectives. *Journal of Personality and Social Psychology, 89* (6), 966-977.

**Tice, D. M. (1999).** Self concept change and self – presentation: The looking glass self is also a magnifying glass. In R. F. Baumeister (ed.), *The self in social psychology*. Philadelphia: Psychology Press.

**Watson, D. C. (1998).** The relationship of self-esteem, locus of control, and dimensional models to personality disorders. *Journal of Social Behavior and Personality, 13*, 399-421.

**Wei, M., & Mallinckrodt, B. (2005).** Adult attachment, depressive symptoms, and validation from self versus others. *Journal of Counseling Psychology, 52* (3), 368-377.

**Wells, L. E., & Marwell, G. (1976).** *Self – esteem*. Beverly Hills, CA: Sage.

**Wichstrom, L. (2000).** Predictors of adolescent suicide attempts: A nationally representative longitudinal study of Norwegian adolescents. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry, 39*, 603-610.

**Wilcox, M., & Sattler, D. N. (1996).** The relationship between eating disorders and depression. *Journal of Social Psychology, 136*, 269-271.

**Higgins, E. T. (1987).** Self discrepancy: A theory relating self and affect. *Psychological Review, 94*, 319-340.

**Holly, W. (1987).** *Self-esteem: Does it contribute to students' academic success?* Eugene, or: Oregon School Study Council, Univ. of Oregon.

**Hintsinger, E. T., & Leucken, L. J. (2004).** Attachment relationships and health behavior: The mediation role of self-esteem. *Psychology and Health, 19* (4), 515-526.

**Kaplan, H. B. (1975).** *Self-attitudes and deviant behavior*. Pacific palisades, CA : Good year Publication.

**Kaplan, H. I., & Sadock, B. L. J. (1998).** *Synopsis of psychiatry*. Behavioral sciences clinical psychiatry. Baltimore : Williams & Wilkins.

**Kline, P. (2000).** *Psychological testing*. London: Rutledge.

**Lowery, S. E., Kurpius, S. E. R., Befort, C., Blanks, E. H., & et. al. (2005).** Body image, self-esteem, and health-related behaviors among male and female first year college students. *Journal of College Student Development, 10*, 1-9.

**Peatronaco, P. R., & Feldman, B. L. (2005).** What can you do for me? Attachment style and motive underlying esteem for partners. *Journal of Research in Personality, 40*, 313-338.

**Pipher, M. (1994).** *Reviving ophelia: Saving the selves of adolescent girls*. New York: Grosset/Putnam Books.

**Reasoner, R. (2006).** *The true meaning of self-esteem*. The national association for self-esteem. Retrieved March 20, 2006 from: <http://www.NationalAssociationforSelf-Esteem.com>.

**Reasoner, R. (1992).** "What's behind self-esteem programs: Truth or trickery?" *The School Execu-*

